

وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم موجب افول قدرت اروپا و انتقال مرکز ثقل قدرت جهان به آمریکا گردید. پایان جنگ جهانی دوم مصادف با آغاز شکل گیری نظام دوقطبی بین المللی و ظهور دو ابر قدرت جدید یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بود.

این تغییر و تحول جهانی به دگرگونی روابط کشورهای استعمارگر با مستعمرات انجامید. جابجایی قدرت و افزایش حس ناسیونالیستی و آزادیخواهی و افزون بر آن شکل گیری حرکت های استقلال طلبانه و نهضت های ملی در مستعمرات، استعمارگران را بر آن داشت تا سیاست خود را در برخورد با مستعمرات تغییر دهند و از طریق عوامل و دست نشاندهگان خود و با اطمینان از وابستگی حاکمان و پادشاهان، اهداف استعماری خود را دنبال نمایند. کشورهای مستکبر به این نتیجه رسیدند که استعمار به شیوه کهن نیازها و اقتضات امروزه آنان را نمی تواند پاسخ دهد و باید با شیوه جدیدی در قالب استعمار نو به این نیازها جواب داد. بر همین مبنا نیز سعی کردند با تمرکز بر مسائل فکری، ایدئولوژیک و فرهنگی و در واقع بوسیله جنگ نرم به اهداف خود برسند.

اصطلاح جنگ نرم در مقابل جنگ سخت، شامل اقداماتی است که جامعه هدف خود را بدون هیچ گونه درگیری نظامی به انفعال یا شکست وادارد انقلابات رنگی را می توان از اشکال جنگ نرم دانست. جان کالینز، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود» می داند (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷).

با توجه به موقعیت استراتژیک و جغرافیایی که ایران دارا است، دشمن همواره در صدد بهره گیری از موقعیت ها و فرصت ها است. کشورهای استعمارگر به دنبال انقلاب ۱۳۵۷ ایران و اتفاقات پس از آن که نا کامی ها و شکست های فراوانی برایشان به همراه داشت، بر آن شدند تا با شیوه هایی متفاوت از روش های گذشته در میان کشورهای مورد هدف خود استفاده کنند، به گونه ای که مارک پالمر یکی از استراتژیست های معروف آمریکایی در گزارش خود با عنوان «ایران - آمریکا، رهیافت جدید» با صراحت ادعا می کند که تنها راه سرنگون سازی نظام جمهوری اسلامی پیگیری مکانیسم های جنگ نرم است (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۸).

اما در جهت مقابله با تهدید نرم آن چیزی که می تواند موثر و کارآمد باشد، استفاده بجا از قدرت نرم است. قدرت نرم شامل مولفه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک است. در جنگ نرم از روش ها و تاکتیک های متفاوتی مانند فریب، تردید افکنی و الگو سازی و... استفاده می شود که مهمترین کار در مقابله با آن آگاهی بخشی است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم ترین کشور منطقه خاورمیانه که انقلاب سال ۱۳۵۷ را تجربه کرده بود، به دلیل تغییرات بنیادین در سیاست خارجی و به کارگیری شعار استقلال کامل سیاسی، مقابل هجمه عظیم جنگی

و نرم قرار گرفت و این در حالی بود که مهاجمان دارای تجارب زیادی در زمینه تاثیر بر افکار عمومی دنیا و ادامه جنگ و استعمار با روش های نوین بودند.

پس از انقلاب نیز با توجه به تاثیر بسیار زیاد جمهوری اسلامی در منطقه و همچنین موضع گیری ها و اقدامات آن، این کشور بیش از پیش مورد توجه کارشناسان سیاسی غرب به خصوص آمریکایی ها قرار گرفته است. آمریکائی ها ابتدا به جنگ و سپس به تهدید نرم روی آوردند و تهدیداتی در حوزه سیاسی، حوزه اقتصادی، حوزه فرهنگی، حوزه اجتماعی و حتی علمی متوجه ایران ساختند. به نظرمی رسد که در سال های اخیر این تهدیدات شکل بسیار جدی تری به خود گرفته است. آنها حملات نرم و براندازانه خود را متوجه ایران کرده اند و در کنار تحمیل هشت سال جنگ تحمیلی و کودتاهای گوناگون، از انواع روش های جنگ نرم در حوزه های گوناگون از جمله سینما، تئاتر، شبکه های مجازی و حقیقی و رسانه های دیجیتالی و ... بهره برده اند.

آمریکائی ها در اجرای برنامه های جنگ نرم خود از شیوه ها و روش های گوناگون استفاده کرده اند و آشنایی و آگاهی از این شیوه ها و راهبردهای آنان یکی از راههای مقابله با این جنگ به شمار می رود. ما در این تحقیق برآنیم تا به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که: ابعاد جنگ نرم در روابط ایران و آمریکا چیست؟